

حقیقت و مجاز

درباره حقیقت و مجاز، بحث را از زوایایی متعدد باید بررسی کرد:

الف) تعریف حقیقت و مجاز

ب) مناسبتی که در استعمال مجازی مورد نظر است، ناشی از «طبع» است و یا ناشی از «وضع»؟

ج) «علائم حقیقت و مجاز» کدام است؟

در تعریف «حقیقت» نوشته اند:

«و فی الاصطلاح عرفها أكثر الاصولیین و علماء البیان: بأنها الكلمة المستعملة فیما وضعت له فی اصطلاح یقع به التخاطب بالكلام المشتمل علی تلك الكلمة. و عرفها بعضهم: بأنها لفظ أريد به ما وضع له ابتداء بحیث یدل علیه بغير قرینة. و المراد من الوضع تعیین اللفظة بإزاء معنى تدل علیه بنفسها»^۱

توضیح :

۱) اکثر اصولیون و علمای بیان، «حقیقت» را چنین تعریف کرده اند «کلمه ای که در معنای موضوع له استعمال شده است. در اصطلاحی که در آن اصطلاح، «تخاطب» صورت می گیرد.» [مراد از اصطلاح آن است که اگر لفظ «صلوة» در مخاطب متشرعه به کار می رود، به شرطی استعمال حقیقی دارد که به معنای «نماز» باشد ولی اگر در اصطلاح و مخاطب اهل لغت به کار می رود، معنای حقیقی و موضوع له آن «دعا» است.] همین منبع در تعریف مجاز نوشته است:

«المجاز اسم لما أريد به غير ما وضع له لمناسبة بينهما، كتسمية الشجاع أسداً، سمي مجازاً لأنه جاوز و

تعدى محله و معناه الموضوع له إلى غيره لمناسبة بينهما.»^۲

توضیح :

۱) «مجاز» اسمی است که از آن معنای غیر موضوع له - به سبب مناسبتی که بین معنای موضوع له و معنای غیر موضوع له وجود دارد - اراده شده است.

۲) به مجاز از آن جهت مجاز گفته می شود که این لفظ از محل خود و معنای موضوع له، تعدی و تجاوز کرده است.

درباره تعریف حقیقت و مجاز، حضرت امام می نویسند:

۱. الموسوعة الفقهية: ج ۱۸ ص ۴۹

۲. همان



«قد اشتهر بينهم: أن المجاز هو استعمال اللفظ في غير ما وضع له بعلاقة معتبرة مع قرينة معاندة [أى معاندة للمعنى الحقيقي]. و خالفهم السكاكي في الاستعارة على ما هو المشهور من مذهبه من كون المجاز عقلياً فيها مبنياً على ادعاء فردية المشبه للماهية المشبه بها»^۱

توضیح :

- (۱) مشهور بر آن هستند که مجاز عبارت است از «استعمال لفظ در غیر ما وضع له» در حالیکه علاقه ای بین معنای حقیقی و معنای مجازی موجود باشد و در حالیکه قرینه ای بر این نحوه استعمال همراه باشد.
 - (۲) سکاکی [با مشهور در «مجاز مرسل» هم عقیده است] در مورد «مجاز استعاره» می گوید: «استعاره» عبارت است از «استعمال لفظ در فرد ادعایی»، به این بیان که متکلم ادعا می کند که معنای غیر موضوع له، فردی است از افراد ماهیت موضوع له، به این نوع استعاره و مجاز، «مجاز عقلی» می گویند.
- مرحوم لنگرودی در تقریرات خویش از کلام امام به چهار قول درباره مجاز، اشاره می کند:

«هل المجاز استعمال اللفظ في غير ما وُضع له مطلقاً، أو يُفصل بين المجاز الذي ادعاه السكاكي في الاستعارة، و بين المجازات الاخر، ففي الأوّل لم يستعمل اللفظ في غير ما وضع له اللفظ، بخلاف الثاني، أو يفصل بين المجاز المرسل - و هو ما تكون العلاقة فيه غير التشبيه - و بين مجاز الحذف، أو أنّ في جميع المجازات يستعمل اللفظ فيما وضع له»^۲

توضیح :

- (۱) قول اول: مجاز مطلقاً استعمال لفظ در غیر موضوع له است [این قول، قول مشهور است]
- (۲) قول دوم: استعاره که استعمال لفظ در موضوع له است و بقیه مجازها که استعمال لفظ در غیر موضوع له هستند [قول سکاکی]
- (۳) قول سوم: تفصیل بین مجاز مرسل و مجاز حذف [که قائل آن معلوم نیست]
- (۴) قول چهارم: همه مجازها استعمال لفظ در موضوع له هستند [قول مرحوم اصفهانی و مرحوم امام]



۱. مناهج الوصول: ج ۱ ص ۱۰۲ و ۱۰۳

۲. جواهر الاصول: ج ۱ ص ۱۷۱